

# پهلوانی، میراث فرهنگ و تمدن ایرانیان

بهرام بهرامی پور

کارشناس ارشد تربیت بدنی و دبیر ورزش هنرستان ابن سینا،  
شهر دلیجان



## مقدمه

فرهنگ و تمدن گنجینه عظیمی است از هنر و اندیشه خلاق که تنها وسیله نگاهداری و انتقال آن از نسل گذشته به حاضر و آینده، آموزش و پرورش است. فرهنگ و تمدن ایران باستان مجموعه‌ای از هنر و فرزانی، آداب و رسوم، سنن و اخلاق نیاکان ماست و همین فرهنگ کهن ما را از هدف و اهمیت آموزش و پرورش نیاکان خود آگاه می‌سازد. راز بقا و پیشرفت جامعه، مستلزم حفظ میراث گذشتگان و درعین حال تحول و تکامل آن میراث است که از طریق بررسی و تحقیق یا انتقال مفاهیم و ارزش‌های مثبت و سازنده آن به نسل جدید حاصل می‌شود. در بررسی پیشینه تربیت بدنی و ورزش علاوه بر بررسی منابع مربوط به تاریخ عمومی، تاریخ تعلیم و تربیت و وضعیت اجتماعی و فرهنگی گذشتگان، باید منابع ادبی و تربیتی را نیز بررسی نمود. تربیت بدنی و ورزش نیز بخشی از میراث فرهنگی کشور است که بررسی آن از

وضعیت تاریخی و اجتماعی - فرهنگی ایران جدا نیست. بررسی تحولات تاریخی و فرهنگی ورزش ایران به منظور شناخت و احترام به هویت ملی و مبانی تاریخ تربیت بدنی و ورزش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از طرف دیگر برای حفظ هویت و حیات مبانی فکری و بومی ورزش و فرهنگ‌سازی ملی در ورزش باید با ریشه‌های تاریخی و فکری تربیت بدنی و ورزش در ایران آشنا شد، به خاطر اینکه بسیاری از زمینه‌های تاریخی و فکری ورزش ایران کاملاً شناسایی نشده است. فرهنگ، مجموعه ارزش‌های مادی و معنوی است که توسط انسان در طی تاریخ ایجاد شده است. شریعتی (ره) در کتاب فرهنگ، تمدن و ایدئولوژی می‌نویسد که فرهنگ، مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و مجموع ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی است که اولی تمدن و دومی فرهنگ را نشان می‌دهد. ساخته‌ها را نسل فعلی می‌سازد و اندوخته‌ها را از گذشته می‌گیرد. بنابراین هیچ پدیده‌ای نمی‌تواند از فرهنگ و هویت

فرهنگی خاص خودش جدا باشد [۴]. ورزش، بخشی از فرهنگ است و بین آن دو رابطه مستقیم وجود دارد، به طوری که شناخت ورزش بدون آگاهی از ارزش و کیفیت ریشه‌های فرهنگی یک جامعه امکان‌پذیر نیست و به این دلیل چگونگی رشد و توسعه ورزش در هر جامعه به فرهنگ آن کشور مربوط می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** پهلوانی، میراث، فرهنگ و تمدن

ایرانیان

### ریشه پهلوانی در شاهنامه

اساسی‌ترین نکته درباره مفهوم پهلوان و آیین پهلوانی به شاهنامه فردوسی برمی‌گردد که در آن دلیرانی با مقام پهلوانی وجود دارند که جزء لاینفک نظام شهریاری هستند و وظیفه اصلی آن‌ها نگاهبانی از دستگاه و شمشیرزدن است [۱۱]. محور و مرکز ورزش باستانی ایران بر پایه مفهوم شکوهمند و ژرف پهلوان است. این واژه از دو جزء تشکیل شده است: ۱. پهلوی. ۲. الف و نون. جزء یکم نام قوم دلیر پارت است که سلسله اشکانی از آن برخاسته و نیم‌هزاره با قدرتی شگفت‌انگیز فرمانروایی کرده است. واژه پهلوی صورتی از پرتو می‌باشد که با الف و نون علامت نسبت است و جمع نیست و مجازا به معنی سخت، توانا، دلیر و زورمندست که به خاطر دلیری قوم پارت به آن‌ها گفته می‌شده است [۶]. پهلوان نیز به معنی ورزیده و نیرومند و محور و مرکز اصیل زورخانه، عیاری و جوانمردی است.

شاهنامه تجلی‌گاه منش قهرمانان اسطوره و تاریخ است. شاهنامه یک اثر پهلوانی و حماسی و کارنامه رزمندگان و جنگاوران است، بنابراین واژه پهلوان به مفهوم رزمی و جنگی فراوان به کار رفته است که منظور مرد یا زن دلیر، سخت‌کوش و درشت‌اندام است که به فنون و آداب رزم و نبرد هم آگاهی دارد. در شاهنامه، پهلوان از ریشه پهلوی گرفته شده و به مفهوم رزمنده و جنگاور است. پهلوانان ایران در منظومه‌های حماسی یا از خاندان‌های مشهورند و یا اشخاص منفردی هستند که به قبیله تعلق ندارند. در میان معروف‌ترین خاندان‌های پهلوانی می‌توان به خاندان سام و کیانی (اسفندیار و فربرز) و خاندان نودریان (طوس)، گودرزیمان و میلادیان و غیره اشاره کرد. پهلوانان سیستان از جمله سام، رستم، زال، بزرگ‌ترین و نام‌آورترین پهلوانان ایران از این خاندان برخاسته‌اند که پهلوانان این دوره را بیشتر به عهد ساسانی نسبت می‌دهند. پهلوانان اشکانی دسته‌ای از پهلوانان بزرگ عهد کیانیان هستند و از میان آنان می‌توان به بهرام، بیژن، گودرز، آرش کمانگیر و غیره اشاره کرد. از

خاندان‌های بزرگ در شاهنامه، خاندان نودریان است که از بزرگ‌ترین پهلوانان این دوره می‌توان به طوس، نودر و گسسته اشاره کرد. در شاهنامه، خاندان کیانی ممتازترین خاندان‌هاست که همه افراد این خاندان از بزرگ و کوچک، پهلوان و جنگاور بودند و در شرف، شکوه و نجابت، شایسته و سزاوار بودند که می‌توان به سیاوش، کیخسرو، گشتاسب، بهمن، داراب اشاره کرد [۹]. در بیشتر آثار حماسی پیش از اسلام مانند یادگار زریران در عهد اشکانی و کارنامه اردشیر بابکان در عهد ساسانی، مفاهیم رزمی و پهلوانی وجود داشته است. در اوستا نیز مظاهر پهلوانی، نیرومندی، قدرت و جنبه‌های اساطیری، مذهبی و مفاهیمی چون بازوان قوی، خردمندی، چالاکي و زورمندی بیان شده است [۱۰]. ریشه پهلوان و قهرمان در هر حماسه و داستانی، نشان‌دهنده قدرت و عظمت یک ملت در دوره معینی از تاریخ است. رستم ایرانی‌ها، آشیل یونانیان و غیره، هر کدام به سهم خود، مظهر بزرگ واقعیت‌های دوران خود می‌باشند و هر چند به گفته فردوسی خداوند پهلوانی چو رستم نخواهد آفرید، ولی باز در تاریخ ایران در هر زمان رستمی ظهور می‌کند [۱۱]. بر اساس اشعار شاهنامه، پهلوانی و دلوری برای میدان‌های نبرد بود و در آن پهلوان آزمون می‌شد. غالباً تمریناتی هم انجام می‌شد که قبل از اینکه برای حفظ سلامتی و رشد عضلانی باشد، برای نیرومندی و پهلوانی بود. به‌طور کلی ریشه پهلوانی در شاهنامه جنبه حماسی دارد و پهلوان در حقیقت یک رزمنده و قهرمان جنگی است. به‌نظر می‌رسد که پهلوان واقعی با پیروزی در کشاکش نبردها این عنوان را کسب می‌کرد، در غیراین صورت شایسته نام پهلوان نبود.

### پهلوان‌ها در فرهنگ ایران

مطالعه اساطیر ایرانی که در نوشته‌های اوستایی، پهلوی فارسی و غیره باقی مانده است ما را متقاعد می‌سازد که سنت پهلوانی امری کهن است [۳]. اوستا، کتاب دینی زرتشتیان، اولین اثر مدون حماسی ایران است ولی کردارهای نبرد و درگیری پهلوانان در شاهنامه فردوسی طبیعی‌تر است. هر چند علاوه بر جنگ مردانه (تن‌به‌تن و فردی یا گروهی)، جنگ انسان با دیو، اهریمن و حیوان (اژدها، شیر و پیل) و جنگ ناجوانمردانه (شیخون و نیرنگ) نیز وجود دارد [۷]. ولی پهلوانان داستان‌های فریدون، گشتاسب، اسفندیار و حتی شاهان کشور آن دوره، الگوی کهن و آسمانی پهلوانی بودند [۲]. مردم‌شناسان با مطالعه اساطیر ملل باستانی و بررسی ساختارهای اجتماعی و آیین‌های مردم بدوی به این نتیجه رسیده‌اند که تکرار الگوهای کهن، پایه همه آیین و کردارهای اقوام گوناگون پیش از تاریخ زمان حاضر بود و دوام اعتقاد

فرهنگ و تمدن  
گنجینه عظیمی  
است از هنر و  
اندیشه خلاق  
که تنها وسیله  
نگاهداری و  
انتقال آن از  
نسل گذشته به  
حاضر و آینده،  
آموزش و پرورش  
است

## ریشه پهلوان و قهرمان در هر حماسه و داستانی، نشان دهنده قدرت و عظمت یک ملت در دوره معینی از تاریخ است

به این الگوهای کهن را تا دوره تاریخی و حتی تا عصر حاضر هم می‌توان دید. اساطیر ایرانی و پهلوانی، انباشته از الگوهای کهن و تکرار آن‌ها توسط مردمان است [۳].

رستم، جهان پهلوان حماسی فردوسی، به آرایش حماسی، مفهوم ویژه و قابل تعمیمی داده است. نبرد اهورا و اهریمن در همه دوره‌های تاریخی شاهنامه به وجود پهلوانان و نیروی آنان وابسته است. انسان آرمانی در حماسه همان پهلوان است که در پهنه وسیع جنگ نیکی و بدی نمودار می‌شود و نمونه بارز آن رستم است. بنابراین هر ملت بزرگی برای دوران تکوین خود حماسه‌ای دارد و حماسه تاریخ زنده است و روح ملتی است که هنوز نمرده است و پهلوانان حماسه، شعله حیات جاودان یک قوم را در خود دارند [۱].

در شاهنامه به جست‌وجوی انسان کامل نمی‌توان رفت و هیچ قهرمانی در شاهنامه نیست که از نقص مبرا باشد حتی ابرقهرمان شاهنامه فریاد فردوسی را برآورده است. البته رستم بی‌گمان بزرگ‌ترین پهلوان حماسه ایران است و فردوسی بیش از همه به او مهر می‌ورزد [۷]. بنابراین پهلوانان را می‌توان در سه گروه قرار داد:

۱. پهلوانان نیکوکار که عمر و سعادت خود را در خدمت خوبی می‌گذرانند و نمونه عالی انسانی و بری از هر عیب چون فریدون، سیاوش، کیخسرو و بعضی خالی از عیب نیستند چون رستم، گودرز، طوس و غیره.

۲. پهلوانان بدکار که وجود آن‌ها سراپا شرارت است مانند: ضحاک، سلم و تور، گرسیوز و در بین زنان سودابه که وجود آن‌ها همیشه نشانه جنگ و تباهی است.

۳. پهلوانانی که آمیخته‌ای از خوبی و بدی هستند و گاهی به جانب خوبی و گاهی به جانب بدی گرایش دارند مانند کاوس در ایران و پیران در توران.

یکی از زمینه‌های دیگر این فرهنگ در ایران بعد از اسلام، گروه‌های مختلف پهلوانی (فتیان، عیاری و شاطری) در این دوره است که هر کدام از این گروه‌ها به گونه‌ای بازگوکننده وضعیت ورزش در کنار اوصاف پاک انسانی هستند. یکی از این

گروه‌ها، فتیان است. فتوت از لفظ فتی مشتق شده و به معنی مردی و مردانگی آمده است. فتیان یا جوانمردان از زمان‌های بسیار قدیم حتی پیش از ظهور اسلام می‌زیستند و پس از گسترش اسلام، از فرهنگ غنی تشیع سود جستند و شهرت پهلوانی و اعمال انسانی آن‌ها زبازد گشت [۱]. براساس دلایلی بنیاد این آیین و مسلک اجتماعی، به ایران پیش از اسلام برمی‌گردد و یادگار دوره‌ای است که امتیازات طبقاتی، بر مردم ایران سخت‌گرا می‌آمده است و این جوانمردان به ورزش‌های بدنی اهمیت تمام می‌دادند و در کشتی‌گرفتن، تیراندازی و شمشیربازی شرکت می‌کردند. هر یک از این افراد کفشی در پای و کارد یا خنجر در کمر داشتند و کلاه درازی بر سر می‌نهادند که از نوک آن پارچه باریک آویخته می‌شد. سند زنده سلسله فتوت به حضرت علی ابن ابیطالب (ع) منتهی می‌شود و در بین اسطوره‌های ایرانی نیز کاوه آهنگر که اولین قیام‌گر ایرانی در برابر ظلم ضحاک است از جوانمردان محسوب می‌شود [۸].

عیاری در ایران دارای سابقه طولانی است و بنا به تحقیق بعضی از مورخان و با توجه به بررسی کتاب سمک عیار از دوره باستان وجود داشته و پس از اسلام نیز همچنان به حیات خود ادامه داده است.

عیاران پیشه جوانمردی داشتند و به صفاتی عالی چون رازداری، دستگیری بیچارگان و امانتداری آراسته و در چالاکی و حيله نامدار بودند. عیاران در داستان‌های عامیانه، پهلوانانی فداکارند که تن به هر گونه خطر می‌سپارند و بی‌باکانه به میدان نبرد برای مقابله و مبارزه با دشمن می‌تازند و یا برای کشف خبر از حدود نیروی دشمن با لباس مبدل وارد اردوی آنان می‌شوند. عیاران پهلوانی ورزیده، پردل و توانا به هر کار هستند که با تجهیزات ویژه عیاری به مأموریت می‌روند. از جمله این تجهیزات: داروی بی‌هوشی، کارد، خنجر، اره، سوهان و آنچه که برای انجام مأموریت‌ها لازم است [۱۲]. در استان‌های قدیم بین پهلوان و عیار تفاوت چندانی وجود نداشت، ولی برداشت ناقصی از نهضت عیاری تحت عنوان شوالیه‌گری به اروپا سرایت کرد [۸].

شاطری در بعد از اسلام، بیش از هزار سال همراه آیین و فرهنگ پهلوانی ایران در کشور متداول بود. شاطری با خصوصیات دیگری از قدیمی‌ترین دوران تاریخ عهد باستان وجود داشت. آداب و رسوم شاطری بعد از ظهور اسلام مبتنی بر پیشه عیاران بود. آن‌ها تقوا، طهارت، صداقت و امانت را جزء کسوت خود می‌دانستند، اگرچه به‌طور کلی شاطری کسوتی غیر از عیاری بود شاطران و عیاران صفات و خصوصیات مشترکی داشتند. شاطران گاه همچون عیاران به پشت اردوی دشمن برای کشف وضعیت و کسب



## یکی از اهداف مهم تربیت بدنی و ورزش «سالم‌سازی افراد» جامعه است



### پی‌نوشت‌ها

1. pahlaw
2. parthara

### منابع

۱. اسلامی ندوشن، محمد علی، زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه. نشر دوستان، چاپ پنجم، ۱۳۶۹.
۲. بهار، مهرداد، آیین مهر و ورزش باستانی ایران. نشریه اطلاعات، ۱۳۸۱/۷/۳.
۳. بهار، مهرداد، از اسطوره تا تاریخ آیین مهر و ورزش باستانی ایران. نشریه پیمان، شماره ۲۳.
۴. بهرام، عباس و همکاران، مباحثی در مبانی تربیت بدنی، نشر جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۵. بهرامی‌پور، بهرام، فرهنگ تربیت بدنی و ورزش در ایران. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشگاه گیلان، ۱۳۶۸.
۶. نواف، جهان‌بخش، ورزش پهلوانی در ایران. نشریه علمی ورزش دانشگاه انقلاب، شماره ۵۹، آذر ۱۳۶۹.
۷. سرامی، قدمعلی، از رنگ گل تا رخ خار، شکل‌شناسی قصه‌های شاهنامه. نشر علمی فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۸. شاکری، فرهاد، پهلوانی در تاریخ ورزش ایران. مجله رشد، آموزش تربیت بدنی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، شماره ۱۱، ۱۳۸۲.
۹. صفا، ذبیح‌الله، حماسه سرایی در ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۶۹.
۱۰. کارزونی، جعفر، تاریخ پهلوانی در کرمانشاه در دو قرن اخیر، جلد دوم، ۱۳۷۴.
۱۱. کاظمینی، کاظم، نقش پهلوانی و نهضت عیاری در تاریخ اجتماعی و حیات سیاسی ملت ایران. نشر بانک ملی، چاپ اول، ۱۳۴۳.
۱۲. مظلومی، رجبعلی، نگرشی نو در تاریخ و ورزش باستان ایران. فصلنامه ورزشی. نشر سازمان تربیت بدنی، شماره ۲، ۱۳۶۶.

مادی باعث شده است که قلب دنیای ورزش با وجود مسابقات و رقابت‌های پرسرودا و پرخرج بتپد. از نظر فرهنگی نیز هدف ورزش کردن، پیروزی در مسابقه و تقدیس قهرمان در ورزش است ولی تربیت بدنی و ورزش هدف نیست و پیروزی و شکست در آن برابر با پیروزی و شکست در زندگی نمی‌باشد. ورزش باید در شرایط اخلاقی انجام گیرد و جایگاه عرصه توانایی‌های مثبت انسان‌هایی باشد که لحظه‌به‌لحظه در پی کسب ارزش‌های متعالی تر هستند [۴]. در این شرایط است که واقعاً مسابقات ورزشی یک وسیله فرهنگی و تربیتی محسوب می‌شود.

یکی از اهداف مهم تربیت بدنی و ورزش «سالم‌سازی افراد» جامعه است. قهرمانانی که فشارهای بسیار زیاد، تمرینات اجباری و عدم وجود آزادی در نحوه زندگی را تحمل می‌کنند، از نظر فرهنگی، موضوعی قابل بررسی است. اکثر قهرمانان سرشناس جهان، بلافاصله بعد از سقوط از برج و باروی پوشالی که برای آن‌ها ساخته‌اند دچار افسردگی، پوچی، بی‌هدفی می‌شوند زیرا به آن‌ها القا شده است که همه چیز در برنده شدن است، بنابراین فرد بعد از گذشت دوره قهرمانی، احساس تنهایی می‌کند و دچار یأس و عدم تعادل روحی می‌شود. در صورتی که فرهنگ ورزش و تربیت بدنی به مسابقات و رقابت محدود نمی‌شود و ارزش یک قهرمان نیز با مجموعه‌ای از رفتارهای ورزشی، صفات شخصیتی و سایر کردارهای فردی و اجتماعی تعیین می‌شود [۵]. هر کسی دارای ویژگی‌های تنی، ظاهری و باطنی خاص خویش است و عوامل چندی در این ساختار مانند نژاد، تبار و دودمان و جنسیت دخالت دارند. پس از اینکه یگانگی با مادر پایان می‌گیرد عوامل دیگر در کار می‌آیند و ساختار، نژاد، تبار، جنسیت را پرداخت می‌کنند یعنی گوهر از قوه به فعل درمی‌آید. این عوامل عمدتاً از تجارب شخصی، آموزش و پرورش، محیط اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. بنابراین در تشخیص گوهر هر فرد، عوامل شش‌گانه نژاد، تبار، جنسیت، محیط، آموزش و پرورش و تجارب شخصی نقش دارند و بنابراین قهرمانان را می‌توان به طبقات مختلف زنان و مردان، قهرمان و کهرتان، فرهیختگان و عامه مردم تقسیم کرد. بدین ترتیب بینش قهرمانی، دوره‌ای است که قومی یا ملتی به قهرمان نیاز دارد که با دلاوری و نام‌آوری، به مقام بزرگی از شخصیت و خیر و سعادت نائل می‌شود و از این طریق دارای هستی دیگری می‌شود، هستی‌ای که حضور و تداومش به دل و زبان انسان‌ها وابسته است و اگر این آوازه فروکش کند هستی نیز از میان می‌رود و می‌توان گفت قهرمان مرده است [۷].

خبر می‌رفتند و خود را به آب و آتش می‌زدند [۸]. فن شاطری هیچ ارتباطی با مفهوم امروزی این کلمه یعنی نانوایی ندارد. حرفه اصلی شاطران، راهپیمایی و دویدن مسافت‌های طولانی و دراز بوده است، از این رو، گروه شاطران را دوندگان حرفه‌ای دنیای قدیم می‌نامند. بسیاری از این شاطران از این کار امرار معاش می‌کردند و به دلیل نداشتن شغل و حرفه، جذب دربار سلطنتی می‌شدند و گروهی بودند که حتی پایه‌های اسپان اشرف می‌دویدند. اشتغال به این شغل شرایط خاصی داشت که همه افراد به راحتی از عهده آن بر نمی‌آمدند. شخص داوطلب مدت‌ها زیر نظر اساتید این حرفه به تمرین می‌پرداخت و وقتی در امتحان موفق می‌شد جواز اشتغال به کار برای او صادر می‌شد. آن‌ها پیام‌های سری، مراسلات نظامی و نامه‌ها را از شهری به شهر دیگر می‌بردند لذا می‌توان آن‌ها را وسیله بی‌خطر و سریع‌السير دنیای قدیم دانست. شاطران بعد از پیروزی به دریافت زنگ حیدری نائل می‌شدند و این زنگ به بازو و یا دامن آن‌ها بسته می‌شد که نشانه جابکی و قدرت عمل آن‌ها بود [۱۰]. این ورزش در زورخانه‌ها به صورت یکی از حرکات ورزشی به نام شلنگ و با استفاده تخته‌ای به طول دو متر و عرض سه سانتی‌متر انجام می‌شد، شلنگ‌اندازان با قدم‌های بلند از روی آن به طرف بالا می‌پریدند تا پایشان به منظور شاطری تند و سریع شود. چنین به نظر می‌رسد که فن شاطری ابتدا در زورخانه‌ها به صورت ورزش و تمرین که همان شلنگ اندازی می‌باشد شروع و بعد از قوت گرفتن پاها در خارج از زورخانه به صورت پیشه و شغل شاطری درآمد [۱۰].

### بحث و بررسی

در عصر حاضر توجه به ابعاد فرهنگی تربیت بدنی و ورزش خیلی مهم است. با توجه به هدف زندگی در تفکر مادی، داشتن جسم قوی و زورمند یا قابلیت‌های جسمانی برای یک انسان به تنهایی ارزش محسوب می‌شود بدون اینکه به طرز تفکر او توجهی شود، به همین دلیل وجود بازوان قوی در افراد یک جامعه بیانگر رشد ورزشی است. این طرز تفکر درباره ورزش و تربیت بدنی باعث شده است که امروزه افراد بی‌شماری با ورزش جسمانی ابعاد بدنی خود را رشد داده و قدرت جسمانی‌شان را بالا برده‌اند و رفته‌رفته قابلیت‌های گوناگون جسمانی در حد زیادی در آن‌ها ظاهر شده است. برای این افراد، ورزش حکم هدف دارد و آن‌ها را تبدیل به موجودات تک‌بعدی کرده است. بنابراین حصول تمام اهداف تربیت بدنی باید در کنار سایر ارزش‌ها باشد و گرنه ورزش قابل دفاع نیست. حاکمیت فرهنگ